بررسی آیه «وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»

آیه هفته قبل را خواندیم. «لقد تاب الله» ماند. «وَعَلَى الثَّلاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا» هم ماند. «لَهُمْ عَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ» هم ماند. بعد «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» را هم دارند. بعد می‌فرمایند:

> **و ما رواه الشيخ في التهذيب عن غالب بن الهذيل قال: «سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول اللّه عز و جل «وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» على الخفض هي أم على النصب؟ قال بل هي على الخفض»[1]**

دو مورد آخر را ذکر می‌کنم چون نکته خوبی دارد. مورد ششم و هفتم در کلام ایشان این است: نکته آن را صریح عرض می‌کنم.

««سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول اللّه عز و جل «وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» على الخفض هي أم على النصب؟»؛ الآن هم بین قراء سبعه داریم. بین قراء سبعه برخی به نصب و برخی به خفض خوانده‌اند.**«قال بل هي على الخفض»**؛ یعنی «ارجلِکم» بخوانید.

ببینید امام دارند یکی از آن‌ها را تعیین می‌کنند. این در تهذیب آمده است. مرحوم شیخ این را در کجا آورده‌اند؟ در بحث وضو آورده‌اند.

شاگرد: سند آن درست است؟

استاد: من سند را نگاه نکرده‌ام. ولی نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است: مرحوم مجلسی در مذاق الاخیار می‌گویند جناب شیخ! اجماع طائفه است؛ خود شما هم این اجماع را برای ما گفته‌ای که به‌خاطر یک روایت خبر واحد نمی‌توانیم نصب را ترک کنیم. مرحوم علامه مجلسی می‌گویند. لذا می‌گویند شیخ هم نخواسته این قرائت نصب را کنار بگذارند. یعنی برای مرحوم علامه مجلسی تا این اندازه کار محکم است. یعنی بین شیعه نگفته‌اند... . من در یک جلسه راجع به «ارجلکم» مفصل بحث کردم. این‌که مرحوم آقای شهیدی گفتند دلیل این‌که شیعه به‌دنبال قرائت ابوبکر بن شعبه می‌رفته، نه قرائت حفص، همین قرائت «ارجلِکم» بود.

مرحوم مجلسی در همان زمان می‌گوید که این نمی‌شود. بعد خود مرحوم شیخ ادامه می‌دهند؛ البته جایش بود که مرحوم مجلسی این را بگوید. ما که این چند سال رفتیم و برگشتیم عرض می‌کنم؛

کار مرحوم شیخ در تبیان همین است. در اولی که می‌خواهند قرائات را پالایش کنند، خیلی دقت به خرج می‌دهند. تا به قرائاتی برسند که از نظر شهرت مساوی هستند. وقتی به دو قرائت متساوی رسیدند اصلاً مشکلی ندارند. مفصل در تبیان به این صورت رفتار کرده‌اند. من این را جمع‌آوری کرده‌ام. اینجا مرحوم شیخ روی حساب بحث می‌گوید قرائت نصب مختلف فیه است. اما قرائت جر مجمع علیه است. یعنی همه ما و شما قبول داریم که قرائت جر، جزء قرائات متواتر هست. قراء سبعه هم قرائت کرده‌اند. شیخ اول این را می‌گوید. لذا می‌گوید قرائت جر را همه قبول دارند و قرائت نصب را برخی قبول دارند. بعد هم این روایت را می‌آورند و می‌گویند که امام معصوم هم یکی از آن‌ها را تعیین کرده‌اند.

بعد با اینکه روایت را آورده‌اند، این را می‌گویند: می‌گویند «ولو کان تسوات القرائتان»؛ یعنی همانی که در کل تبیان کار شیخ است. می‌گویند حالا آمدیم و دیدیم قرائت نصب و جر، از حیث شهرت مساوی است. وقتی مساوی شد که اصلاً حرف واحد را مطرح نمی‌کنند. می‌گویند از حیث پالایش و اعتبار سنجی قرائت، به اینجا رسیدیم که هر دوی آن‌ها مساوی شدند و بعد شروع می‌کنند به توضیح دادن که هر دو قرائت درست است. بعد ادامه می‌دهند.

شیخ اول می‌گوید «لایجوز القرائه بالنصب»، چون آن مجمع علیه است و این مختلف فیه است. این را اول می‌گوید. روایت هم داریم. در که شدند می‌گوید «لو فرض»؛ یعنی اگر فرض بگیریم که در فضای پالایش مساوی هستند...؛ بعد شروع می‌کنند به توضیح دادن. این هم برای این روایت.

---

[1]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج۸، ص: ۱۰۴

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 10:32:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 09:37:44 توسط ... .